



خانم زلاله عزیزم

منی رانم چرا کارنامه زلی میاگره خورده بود. سارا منتظر نامه من
 بودید و من در انتظار نامه شما. تقصیر از که بود؟ به حال ناخوشی بزرگواری و
 محبت شما گره گشایی کرد. نامه ها را نمی توانم براب یاد شما و شوهر شما و آن
 صدای گرمنا به هنگام سخن خوانی می اندازد. صدایان را روی نواری دارم که
 گاه و بیگاه می شنوم. در باب شما آشنا شدم. وزود از دیدارتان محروم شدم.
 «ای دیر به دست آمده، بس زود رفتی آتش به دم در زده چون رود رفتی»
 نوشته بودید در نزد همسران می روید. سفرتان به خیر. آیا برای همیشه
 در آنجا می مانند یا بازمی گردید به لندن؟ سلام بر اهل خانه برسانید. چند روز
 پیش لطف و عکسزاده. که اولی در فلورانس و دومی در برلین اقامت دارند - در باره
 کنه تی داشتند در استقبال فراوان رو بروند. جایی شما خالی. شب بسیار
 دلپذیری بود. باز فین میاید هندوستان کرد. چه توان کرد. آیا شما توانستید
 این زمسی و اندکی سال. کج ویرانه میزن را فراموش کنید؟
 کار تازه چه کرده اید؟ از من نپرسید که عمر ضایع می کنم.
 زخم بر سر شما سلام فراوان دارد.

بدرود - چه